



زمینه روانشناسی تعاملی

دکتر ناصر بدین کاظمی حقیقی

www.ketab.ir

سرشناسه : کاظمی حقیقی، ناصرالدین، ۱۳۴۰ - عنوان و نام پدیدآور : زمینه روانشناسی تعاملی/ناصرالدین کاظمی حقیقی. مشخصات نشر : تهران: تابان خرد، ۱۳۹۶. مشخصات ظاهری : ۱۴۱ ص. شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۲-۱۰-۶ وضعیت فهرست نویسی : فیپا یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۴۱. موضوع : روان شناسی موضوع : Psychology : رده بندی کد ره : ۸۱۳/۵۲۱/۱۲۱BF رده بندی دیویی : ۱۸۰ شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۲،۶،۳	
زمینه روانشناسی تعاملی ناشر: تابان خرد گردآورنده: دکتر ناصرالدین کاظمی حقیقی نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۳۹۶ مدیر تولید: علی پاک نیت نظارت چاپ: زهره عطائی کچوئی طراح جلد: شهرزاد صانع تیراژ ۵۰۰ جلد شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۲-۱۰-۶ چاپ و صحافی: حیدری	
مرکز پخش: تهران، شهرک آپادانا، بلوک ۱۲، ورودی ۳، همکف شرقی تلفن: ۰۹۳۸۵۱۴۵۷۶۴ ۰۲۱-۴۴۶۴۹۶۷۱ www.abankherad@yahoo.com	

فهرست

۱.....	فهرست
۷.....	مقدمه
۷.....	سیری تاریخی در اندیشه روانشناختی
۱۱.....	مبانی نظری
۱۱.....	مفهوم روانشناسی تعاملی و چشم انداز آن
۱۲.....	ایستادگی در برابر عنصر نگرش و اعمال نظری
۱۳.....	گستره روانشناسی تعاملی
۱۴.....	چشم انداز آینده روانشناسی تعاملی
۱۷.....	اصول روانشناسی تعاملی
۱۷.....	بایه ها
۱۸.....	ریشه ها
۱۹.....	پدیده
۲۰.....	پیچیدگی
۲۰.....	نظام یافتگی
۲۲.....	فراگیری
۲۳.....	دگرگونی
۲۴.....	ماندگاری
۲۴.....	گونه گونی
۲۵.....	بررسی تطبیقی مکاتب در سیاق تعاملی

۳۷	مبانی تحقیق در روانشناسی تعاملی
۳۹	الف) مسأله یابی
۳۹	ب) وضعیت یابی
۳۰	ج) پژوهش تجربی
۳۱	د) توالی یابی
۳۲	ه) ترکیب دهی
۳۵	پدیده‌های تعاملی
۳۵	تیزهوش
۳۶	فرایندی ریزی مفهوم تیزهوشی در روانشناسی تعاملی
۳۷	قلمرو
۴۰	زمینه
۴۱	تعامل زمینه با قلمرو
۴۱	نظام سه گانه تیزهوشی
۴۲	اصول نظام
۴۴	تعامل سه قلمرو
۴۹	تعریف تیزهوشی در مکتب تعاملی
۴۹	بررسی تطبیقی
۵۱	استعداد
۵۲	هوش تحلیلی
۵۲	هوش تجربی
۵۲	هوش تجربی
۵۲	هوش تحصیلی
۵۲	کنش نوسودمندی
۵۲	کنش وظیفه‌مندی

۵۳	برهیز از محدود انگاری
۵۵	تعامل تواناییهای بنیادین
۵۸	خلافت
۶۱	الف) آفرینندگی
۶۱	ب) سازماندهی
۶۲	هسته مشترک
۶۴	هوش و یادگیری
۶۴	ماهیت تعاملی هوش
۶۶	ماهیت تعاملی یادگیری
۶۹	بیتابی
۷۲	انتظار
۷۲	مفهوم انتظار و جای آن در روانشناسی
۷۳	قلمروهای انتظار
۷۳	الف) آرامش روان
۷۳	ب) تفرد
۷۴	ج) پیشرفت
۷۵	شخصیت
۷۶	بازخورد
۷۷	رفتار
۷۷	بازی
۸۱	تشخیص تعاملی
۸۳	فهرستهای هیجان اندیشه
۸۴	الف) سرسختی شناختی
۸۵	ب) جنب و جوش هیجانی

۸۶	ج) بینایی
۸۶	د) نیروی روانی
۸۷	ظرفیت یابی
۸۷	الف) فهرست تواناییهای پایه
۸۸	ب) آزمون هوش تحلیلی
۹۰	ج) فهرست ظرفیتهای شناختی
۹۱	فهرستهای رضایت از زندگی
۹۱	فهرست مفهوم باکزیستی
۹۱	فهرست انتظار از زندگی
۹۲	فهرست انتظار زناشویی
۹۳	فهرست انتظار غلبه
۹۴	آزمونهای شخصیت
۹۴	فهرست شخصیتی ده عاملی
۹۴	یک) سازش اجتماعی
۹۴	دو) نوگرایی
۹۴	سه) پراکنش
۹۵	آزمون شخصیتی برزه
۱۰۰	فهرست خردمندی
۱۰۳	بهداشت روان و رواندرمانی تعاملی
۱۰۳	رضایت از زندگی
۱۰۷	راهنمایی و مشاوره
۱۰۹	رواندرمانی حمایتی
۱۱۰	بهبودی عاطفی ارزشی
۱۱۳	دیرستان دکتر عصاریان: نخستین مدرسه تربیت تعاملی استعداد

۱۱۳	تاریخچه دبیرستان
۱۱۵	طرح استعدادیابی تعاملی
۱۱۵	یک (تشخیص استعداد)
۱۱۷	دو (سیاستگذاری آموزش)
۱۱۸	سه (تقویت توانایی)
۱۲۰	خط مشی انقباضی پرورش تعاملی استعداد در راهبرد تلفیق
۱۲۲	الف) ارتقای بهداشت روان در آموزشگاه
۱۲۲	نرخ کنونی توجه جهانی به بهداشت روان در مدارس
۱۲۳	مفهوم بهداشت روانی
۱۲۴	مفهوم تعاملی بهداشت روان
۱۲۵	ب) منشور بهداشت روان در نظام آموزش و پرورش
۱۲۷	ج) زمینه سازی برای استعدادیابی
۱۲۷	توجیه نظام اداری
۱۲۷	آماده سازی خانواده
۱۲۸	آماده سازی منابع انسانی
۱۲۸	بررسی زمینه ای جامع
۱۲۹	کلاس بندی
۱۳۰	جدول زمانی برنامه
۱۳۰	بهبودی نظام ارزشیابی تحصیلی
۱۳۰	مشاوره و درمان
۱۳۰	ارزشیابی برنامه
۱۳۱	د) برنامه ویژه استعداد پروری
۱۳۱	مرجعیت
۱۳۱	تفرد



آموزش خاص	۱۳۲
همگنی انعطافی	۱۳۲
ارتقای زمینه ای	۱۳۲
۵) پرورش	۱۳۳
منابع	۱۳۵

مقدمه

سیری تاریخی در اندیشه روانشناختی

در خط سیر تطوّر اندیشه در تاریخ غرب به طور کلی با دو مکتب بنیادین روبرویم: «اصالت ذن» و «اصالت حس».

ممکن است با مسامحه اصالت ذهن را به «خردورزی» و اصالت حس را به «تجربه نگری» گسترش دهیم؛ اما واقعیت آن است که اصالت ذهن تأکیدی بر «عقل گرایی» ندارد و «اصالت حس» صرفاً دریافت حسی را امر «شناخت» در کانون اعتباردهی جای می دهد. این جدال طی سده ها در تاریخ اندیشه ورزی جریان داشته است.

فلسفه غرب در میاضی اولیه یونان، خرد و اصالت تجربه سیر می کند و در سایر شناختها چون «هستی» و «انسان» بالطبع به سطح خردورزی و تجربه گرایی متوقف شده است؛ گرچه در همین حوزه ها در «آشنایی با اندیشه های یونان باستان و امدار حکمای شرق است» که در سده های نهم و دهم میلادی حاصل شد.

اما تقریباً هر نحله و مکتبی و بلکه هر صاحب اندیشه ای در این تاریخ، حداقل بر دو مقوله تأکید ورزیده، مباحث خاصی ارائه داده است که به تعبیری «فلسفه شناختی» را رقم می زند: «شناخت» و «انسان».

همه مکاتب فلسفی اصطلاحاً به مقوله شناخت پرداخته و دیدگاهی را در مقوله «انسان» بیان داشته اند. نقطه نظرات هر مکتب در این دو مقوله از وجوه تمایزش با سایر دیدگاههاست.

اما باید توجه داشت که مفهوم «شناخت» امری روانشناختی است؛ همان گونه که مطالعه انسان در کانون بررسیهای روانشناختی جای می گیرد.

فلسفه در زبان یونانی به «دوستی دانش» دلالت دارد؛ اما در اصطلاح «شناخت حقیقت هستی، ماهیت شناخت، انسان، دین و اخلاق» را در محور توجه قرار می دهد.

لذا تعریف «علم» اصطلاحی در قلمرو فلسفه جای می گیرد؛ زیرا علم نوعی «شناخت» است. و «فلسفه علم» حوزه بزرگی از قلمرو فلسفه را به خود اختصاص داده است.

«فلسفه علم» همه علوم را تعریف می کند و روانشناسی هم مانند سایر علوم به فلسفه علم نیاز دارد. زیرا تعریفش را از فلسفه علم می گیرد. اما چنان که مشهود است این فلسفه مضاف بر ماهیتی تجربی استوار است و به زحمت و رای تجربه را اعتبار می دهد.

از این رو روانشناسی نه تنها تعریفش را بلکه روش تحقیقش را نیز از فلسفه اخذ کرده است: «شناخت تجربی» روش تحقیق در روانشناسی ملهم از اصالت تجربی فلسفه علم، بر تجربه و به واقع حسّی گری پافشاری دارد.

نکته قابل تأمل آن است که ماهیت روانشناختی پدیده «شناخت»، فلسفه اصطلاحی را در «سرزمین روانشناسی» جای می دهد؛ فلسفه با تأکید و پافشاری بر حقیقت جویی در «هستی شناختی» یک پدیده روانشناختی فممداد می دود.

در این جا به زبان منطق صوری با طبیعت «تجربی» رابطه میان فلسفه و روانشناسی مواجه هستیم.

پس واقعیت امر فراتر از «فلسفه روانشناسی» است.

لذا ما بدون هیچ گونه مانع و رادعی فلسفه را در قلمرو روانشناسی می بینیم.

نیاز به حقیقت در هستی شناسی در تطوّرش از ماهیتی روانشناختی بهره مند است.

سه دهه و نیم پیشینه نظری و تجربی روانشناختی، مشاوره ای و رواندرمانی نگارنده به تدریج این حقیقت را آشکار ساخت که چشم اندازها و مکاتب موجود در علوم انسانی عموماً و روانشناسی بالاخص در رهگشایی برای نیل به قوانین و حقایق، کم و بیش در تنگنا به سر می برند: «دستاوردها چندان دلگرم کننده نیستند».

پس ناگزیر باید «طرحی نو در اندازیم».

این طرح نو ابتدا مبتنی بر آن است که روشها و سازوکارهای آسیب شناختی که تاکنون بر بهسازی علوم انسانی متمرکز بوده‌اند، به دقت «آسیب شناسی» شوند؛ یعنی «آسیب شناسی روشهای آسیب شناختی»!

سپس در این قلمروها بهسازیهای صورت گیرد:

(الف) برای محقق در حیطه علوم انسانی و از جمله روانشناسی باید خصایصی لحاظ کرد.

(ب) مبانی علوم انسانی از استواری لازم برخوردار شوند.

(ج) ماهیت علم اگر روشنگری را پی می‌گیرد، به بیش از پیش بینی و تبیین نیازمند است.

(د) خط سیر کنونی نیازمند بازنگری اساسی است.

رعایت این نکات در «ره قلمرو روانشناسی ضرورت بیشتری دارد؛ چه آن که روانشناسی در کانون مطالعات انسانی جای دارد و بی تردید «ویژگیهای روانشناختی» هر اندیشمندی در علوم انسانی، شکل‌گیری مراداد و نوع مطالعات را متأثر می‌سازد.

نگارنده در این مجموعه اجمالی کوشش است زمینه‌ای برای بهسازیهای لازم در حیطه‌های گوناگون عرصه روانشناسی به دست دهد.

مجموعه حاضر مرگب از مبانی نظری، چشم انداز در روش تحقیق، پدیده‌های تعاملی، تشخیص در آینه تعامل، بهداشت روان و رواندرمان تعاملی است و سرانجام این مجموعه، مزین به نمونه عینی روانشناسی تربیتی تعاملی یعنی «مدرسه تربیت تعاملی دکتر عصاریان» شده است.